**"به نام خدا"**

در روز چهارشنبه مورخ 05/08/1395 سرکار خانم میرزاخانی و ناصحی برای انجمن های ترویج علم یک کارگاه با مضمون زیست و فناوری برگزار کردند. زنگ تفریح اول با بچه های انجمن ترویج علم در نمازخانه جمع شدیم. من و محدثه عباسی کنار هم نشستیم و جزوه ی زیست فناوری که خانم ناصحی قبلاً در سایت قرار داده بود دوره کردیم. خانم ناصحی همراه با چند خانم و یک آقای نسبتاً قد بلند وارد نمازخانه شدند. آن آقای قد بلند یعنی آقای احمدی شروع کردند به صحبت کردن و گفتند چرا ما امروز دور هم جمع شده ایم و از بچه ها تعدادی سوال مثل (زیست فناوری چیست و چه کاربردی دارد) پرسیدند. ایشان پاور پوینتی ضمن آشنایی بیشتر و یادگیری بهتر کاربردهای زیست فناوری آماده کرده بودند. به طور مثال در یک اسلاید تولید ربات های زیستی که وارد بدن می شوند و دارو را وارد سلول می کنند و در اسلایدی خرس آبی که کمتر از 10 ساعت خارج از جو زنده می ماند و ساخت انسانهای آغازین گیاهان درخشنده برای آینده و تولید پلاستیک از بافت سیب زمینی و تغییر ژن میوه ها را توضیح دادند. بعد پاور یک ویدئو کوتاه در مورد جشنواره زیست فناوری گذاشتند. ما می توانیم برای شرکت در این جشنواره کارمون رو به صورت مقالات علمی و اختراعات علمی یا ترویج و فرهنگ سازی ارائه بدیم. سپس آقای احمدی یک فرمی را به ما نشان دادند که ما می بایست آن را پر می کردیم. پس از پر کردن فرم ها، خانم ناصحی گفتند: بچه های زیست فناوری که من هم جزو آنها هستم به آزمایشگاه برای کارگاه عکاسی بروند. 2 کارگاه دیگر از جمله کارگاه کاریکاتور و ایده پردازی وجود داشت که من موفق به شرکت در آن دو نشدم. با بچه ها وارد آزمایشگاه شدیم. خانم اکبری و دبیر آزمایشگاه نیز در آنجا حضور داشت. خانم دهقانی همراه با آقای احمدی با پلاستیکی از میوه وارد آزمایشگاه شدند. خانم دهقانی چند عکس به منظوردادن ایده در عکاسی با موضوع زیست و فناوری به مانشان دادند و از ما خواستند با این میوه ها یک ایده بسازیم و سپس از ایدمون عکس بگیریم. ما مشغول به فکر کردن و مشورت با یکدیگر شدیم. خانم دهقانی و خانم اکبری مشغول بریدن قسمت هایی از کارتون برای عکس گرفتن شدند. من و نیوشا الفت باهم هم گروه شدیم. نیوشا یک ایده داشت که یک میمون بدن کرم مانند داشته باشد. باهم روی این ایده کار کردیم. نتیجه یک میمون با بدن کرم مانند و دم نورانی شد. به خانم دهقانی ایده مان را توضیح دادیم. ایشان خیلی از این ایده استقبال کردند و گفتند برای امروز هم ایده دارید؟ من و نیوشا کمی فکر کردیم و موز و سیب را پیشنهاد دادیم و خانم دهقانی گفتند: بیشتر روی ایدمون کار کنیم. من و نیوشا چند مدل مختلف پیشنهاد دادیم.

1. موزی که در سیب باشد. 2- تیکه های سیب که در موز باشد 3- لایه لایه سیب و موز باشد.

ناگفته نماند در پر و بال دادن به این ایدمون کمی اختلاف داشتیم. این 3 گزینه را برای آقای احمدی به اضافه ی ایده میمونی که با کرم شب تاب تغییر ژن داده را توضیح دادم. ایشان گفتند باید سیب و موزمان وابسته به سر حیوانی که تغییر ژن داده باشد . اگر سر حیوان کرم بود باید سیبی بکشیم که داخلش موز است و اگر سر حیوان موز بود یک موزی بکشیم که داخلش سیب است. ما از نظر ایشان استفاده کردیم و یک میمون کشیدیم که بدنش مانند کرم است ولی دست و پا داره و دمش نورانی است و یک موز در دست میمون کشیدیم که داخلش تکه های سیب وجود دارد. ایده نهایی را به خان دهقانی و آقای احمدی نشان دادیم آن دو گفتند این ایدتون رو می توانید در 2 زمینه کاریکاتور و عکاسی به ما تحویل بدین. الان هم شروع به کار کنید. من یک موز و یک سیب برداشتم و داخل سینی گذاشتم نیوشا پوست موز را باز کرد و من تکه های نامنظم سیب را بریدم تکه های سیب را با کمک یکدیگر داخل موز قرار دادیم و برای اینکه در عکس زیباتر شود با سوزن ته گرد پوست های موز را تنظیم کردیم. خانم ناصحی از من و نیوشا با ایدمون عکس گرفتند و ایده ما به عنوان اولین اولین ایده در همان کارتون که برای عکاسی بود گذاشته شد. خانم ناصحی و خانم اکبری فلش های گوشیشان را روی کاغذ پوستی ما تنظیم کردند و بچه ها پرده ها را کشیدند و من لامپ ها را خاموش کردم. نیوشا هم از ایدمون با دوربین عکس گرفت. بعد از عکس گرفتن میوه های اضافه را در اختیار گروه بعدی گذاشتیم و بعد از تشکر کردن و خداحافظی از خانم ناصحی و خانم دهقانی از آزمایشگاه خارج شدیم.

 **کیمیا روشن نژاد**